

نمی‌دانم تحلیل آنها چیست؛ من واقعاً در مغز این افراد نیستم. اگر مغز آدم سالم باشد، منطقی نیست که فردی در برابر فشاری که بر مردم وارد می‌شود، چنین شادمانی‌ای نشان دهد. هرچه فکر می‌کنم، نتیجه‌ای در ذهنم شکل نمی‌گیرد؛ آیا یا این فشارها اتفاق مثبتی در کشور رخ خواهد داد؟ یا این‌که وضع زندگی مردم بهتر خواهد شد؟ نمی‌دانم. البته بار اولی نیست که مواضع طیف تندرو با مواضع خارج از کشور همسو است و همپوشانی دارند. در جریان گفت‌وگوهای منجر به برجام، و حتی بعد از حصول توافق هسته‌ای، مخالفت‌های مخالفان مذاکره و برجام، شبیه به مخالفت‌های اسرائیل و برخی کشورهای منطقه توصیف می‌شدند. با روی کار آمدن ترامپ هم، او به اردوگاه مخالفان خارجی برجام ملحق شد و مواضع او نیز شبیه به مخالفان ایرانی برجام قلمداد می‌شد. حالا هم نخست‌وزیر اسرائیل از مکانیسم ماشه استقبال کرده است.» یا محمد مهاجری، تحلیل‌گر مسایل سیاسی در واکنش به شادمانی تندروها از فعال شدن مکانیز ماشه چنین واکنش نشان دهنده که «این طیف اکنون خوشحالتد چون تصویری کندبازگشت مکانیز ماشه بهمعنای اضمحلال و نابودی برجام است و گمان می‌برند چنانچه مکانیزم ماشه بازگردد و تحریم‌ها تشدید شود، در واقع ادعای آن‌ها که از ابتدا می‌گفتند برجام خسارت بزرگی برای کشور بوده ثابت خواهد شد. توجه داشته باشید که این یک دلیل پوششی است. دلیل اصلی آن است که آن‌ها به‌عنوان پادوهای کاسبان تحریم بار دیگری می‌توانند به کاسبان تحریم خدمتی تازه ارائه دهندو مجدداً از چالش‌های اقتصادی ملت نفع ببرند.» و همچنین فلاح‌پیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم در گفت‌وگو با هم‌میهن به آن بپردازد و بگوید: «اما این خوشحالی، یک خوشحالی ساده نیست، نشان می‌دهد که آنها تنها چیزی که برایشان مهم است، تبدیل ناکامی‌های سیاست خارجی به عاملی برای کسب مجدد قدرت سیاسی در ایران است. به عبارتی، افراطیون فقط به کسب قدرت فکر می‌کنند و این موضوع را از راه‌های غیر منافع ملی هم دنبال می‌کنندو دیدیم که اخیراً از الگوی چینی هم صحبت می‌کنند. الان هم یکی از سردمداران افراطیون که عضو شورای عالی امنیت ملی هم هست، کل مسیر گذشته را زیر سوال می‌برد و هیچ صحبتی از فرصت‌سوزی نمی‌کند.»

شاید در عالم سیاست شادی برای ناکامی رقیب سیاسی عجیب نباشد و احتمالاً در همه دنیا این ناکامی‌ها مجال رقابت قوی‌تر را فراهم می‌کند اما این رفتار آنها که خود را انقلابی می‌دانند و از نگرانی برای سفره مردم سخن می‌گویند؛ بسیار بعید است. آیا در رقابت سیاسی و آن هم در بُعد سیاست خارجی ناکامی یک دولت که البته ناکامی یک کشور به شمار می‌رود می‌تواند موجب ذوق‌زدگی یک جریان سیاسی باشد؟ در برابر آنها که مدعی آن هستند که برجام ۱۰ سال عمر مردم را تلف کرد، این سوال مطرح است و خوب است به آن فکر کنند که وقتی برجام امضا شده بود ما همه‌چیزه تحریم بودیم و اگر امضا نمی‌شد دقیقاً چه فرصتی داشتیم که بتوانیم از آن استفاده کنیم که حالا دم از تلف شدن آن می‌زنند؟ غیر از این بود که همین روسیه و چین هم حاضر نبودند با ما مرادوای داشته باشند؟ غیر از این بود که ما ۱۰ سال زودتر در نقطه کنونی بودیم و روزبه‌روز آینده تیره و مبهم‌تری را داشتیم. چرا این جماعت تندرو نگاهی نمی‌کنند که آن سوی آب همان‌ها که خواهان نابودی کشور بودند تا به خواسته خودشان برسند، همین‌ظر با اینها از فعال شدن مکانیزم ماشه استقبال کردند و حالا همسوبا هم بر این طبل می‌کوبند. کاش این افراد کمی از منافع جریانی خود بگذرند و منافع ملی را ببینند و برای عبور از این پیچ سخت به جای تخطئه دست به کاری سازنده‌تر بزنند.

مهمترین زبان مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل برای کشور این است که پرونده ایران را در وضعیتی که فشارها وجود دارد را کد می‌کند. ایران در حال حاضر مطالبه رفع و کاهش تحریم‌ها را دارد که به معنی نیرومند شدن ایران و خروج از تهدیدهای وجودی است. اما طرف مقابل چیز خاص دیگری نمی‌خواهد، برنامه اتمی ایران از نظر آنها برای مدتی به تعویق افتاده است و نیروهای متحد ایران به شدت آسیب دیدند؛ بنابراین تهدید فوری برای آمریکا، کشورهای غربی و اسرائیل وجود ندارد و نیاز فوری نیز به نفت و منافع دیگر ندارند، لذا آنها ادامه این وضعیت را به نفع خود می‌دانند و ترجیح می‌دهند این شرایط ادامه یابد تا زمانی که ایران از نظر داخلی دچار مشکلاتی حاد شود و یا تسلیم محض شود و یا دچار فروپاشی شود. از این لحاظ وضعیت کشور بسیار بحرانی ودشوار است. در این شرایط دشوار اولین کار این است که حاکمیت سرمایه کشور که مردم، وحدت ملی و یکپار چگی هست را حفظ کند. صداهای ناساز باید قطع شود و به ملت نشان داده شود که به حرف‌ها و خواسته‌های آنها توجه می‌شود. دومین نکته این است که حاکمیت باید از این انزوایی که بر ایران تحمیل شده است خود را رها کند و در این رابطه کشورهای منطقه و ائتلاف با کشورهای همسایه و آنهایی که با آمریکا مخالفت کردند مثل روسیه و چین مهم است. در این بین ایجاد آمادگی دفاعی ایران نیز بسیار حائز اهمیت است. در کنار اینها منابعی که در قدرت ایران وجود دارند و در رأس آن مجلس باید متوجه شود چه جایگاهی در بین ملت دارد و به اندازه‌ای که ظرفیت دارد کار کند و تصمیم بگیرد و از کارشکنی‌هایی که در یکی دو سال اخیر به دست گرفته است خودداری کند و منجر به تضعیف مملکت نشود. تصویب FATF همین حالا هم خوب است و باید بهانه‌ها را از خارج گرفت و کشور کم کم به سمت یک وضعیت نرمال برود.



غلامحسین کرباسچی:

لحن‌شان و اظهار خوشحالی‌شان، همان لحن و

شادمانی‌ای است که از سوی «ضدانقلاب خارج‌نشین»، بعضاً در اسرائیل و حتی در نطق‌هایی که به نام

آقای تانیا هو مطرح می‌شود، شنیده می‌شود و برای بنده بسیار عجیب است. واقعاً نمی‌دانم تحلیل آنها چیست؛ من واقعاً در مغز این افراد نیستم. اگر مغز آدم سالم باشد، منطقی نیست که فردی در برابر فشاری که بر مردم وارد می‌شود، چنین شادمانی‌ای نشان دهد

حسین نورانی نژاد، قائم مقام حزب اتحاد ملت در گفت‌وگویی که با هم‌میهن داشت، معتقد است ابراز شادی برخی از تندروهای اصول‌گرا از بازگشت تحریم‌ها ناشی از این است که آنها زیست خود را در بحران و تنش می‌بینند و در شرایط عادی و توسعه‌محور، محلی از اعراب ندارند. او می‌گوید که رادیکالیسم کور و قدرت‌طلبی محض و فقدان چارچوب‌های اخلاقی و ملی و انسانی، دو دسته تندروهای داخلی و اپوزیسیون را به هم رسانده است.

فعال‌سازی مکانیزم ماشه از مهمترین موضوعات هفته گذشته بود. در این بین شاهد واکنش‌های مختلفی از سوی چهره‌های سیاسی بودیم؛ از جمله عجیب‌ترین آن ابراز خوشحالی برخی افراد از میان تندروهای اصولگرا در راستای عدم موفقیت دولتمردان برای جلوگیری از این اتفاق بود. تحلیل‌تان از این رفتار در میان جریان‌های سیاسی چگونه است؟

به نظر من دلایل اصلی این رویکرد، یکی کوتاه‌نظری جناحی و غیرملی است و دیگری، عبور دیگران و از جمله خود ما از ریشه‌های واقعی و داخلی بحرانی است که در آن گرفتار شده‌ایم. متأسفانه برخی جریان‌ها، به جای نگاه منصفانه به گذشته و نقش سیاست‌های ماجراجویانه و تقابلی و شعاری خود در شکل‌گیری شرایط کنونی، همه تقصیرها را متوجه دستگاه دیپلماسی می‌کنند و از ناکامی احتمالی آن ابراز خرسندی دارند. این در حالی است که به دلایل ملی و برای جلوگیری از سوءاستفاده دشمنان بیرونی که خبأت خود را بارها نشان داده‌اند، و شاید هم نگرانی از عواقب امنیتی، پاسخی در خور و آشکار به این رفتارها داده نمی‌شود. واقعیت این است که زیست سیاسی بخشی از این جریان‌ها در فضای بحران و تنش تعریف می‌شود. آنها در یک شرایط عادی و توسعه‌محور محلی از اعراب ندارند و به همین دلیل ناخودآگاه از استمرار بحران استقبال می‌کنند.

یک تحلیل وجود دارد که چنین واکنشی از سوی برخی از سیاسیون در راستای این است که آنها چون نگاه به شرق دارند، از آن استقبال کردند. یکی از نمایندگان مجلس در حساب کاربری خود در ایکس نوشت: «ضمن سپاس از همه اقدامات دستگاه دیپلماسی و شورای امنیت ملی کشور؛ به حول و قوه الهی؛ ۲۸ سپتامبر (۶ مهر) به روز ملی «قطع کامل امید از آمریکا و غرب» تبدیل و سرآغاز تحول



شنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۴

سال چهارم ـ شماره ۸۹۶

www.hammihanonline.ir

حسین نورانی نژاد قائم مقام حزب اتحاد ملت:

رادیکالیسم کور و قدرت‌طلبی محض تندروهای داخلی و اپوزیسیون را به هم رساند

اقتصادی با تکیه بر ظرفیت‌های درونی و تعمیق پیوندهای اقتصادی با کشورهای شرق، همسایه و دوست خواهد شد.» تحلیل‌تان از این نوع نگاه چیست؟ آیا با توجه به شرایط سیاسی کشور باید نگران این نوع نگاه و واکنش‌ها باشیم؟

بعید می‌دانم این قبیل اظهارنظرها را خود گویندگان هم چندان جدی گرفته باشند. کافی است به تجربه‌های اخیر نگاه کنیم: در همان جنگ ۱۲ روزه، «شرق» مورد ادعای ایشان چه اقدامی در حمایت از ما انجام داد؟ در کدام تحریم حاضر شد زده‌ای از منافع خود را فدای ایران کند؟ سهم ما در اقتصاد چین و روسیه آن قدر ناچیز است که تصور ایستادگی آنها در برابر نظام بین‌الملل و تحریم‌های شورای امنیت، بیشتر به یک توهم شباهت دارد. البته روشن است که ما باید روی هر ظرفیت قابل استفاده‌ای، چه در شرق و چه در غرب عالم، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری کنیم اما این نوع شعارها بیشتر مصرف داخلی و تبلیغاتی دارد تا مبنای سیاست‌گذاری واقعی. به همین دلیل است که می‌گویم نگران تحقق چنین نگاه‌هایی نیستیم، چون بعید می‌دانم خودشان هم در عمل آن را جدی بگیرند.

در برابر، جریان دیگری را هم که از مخالفان جمهوری اسلامی هستند نیز از این اتفاق به عنوان ابزار فشار استقبال کردند. نزدیکی واکنش‌های این دو طیف به‌ویژه در زمینه ناکامی‌های دولت را چگونه تحلیل می‌کنید؟

به نظر من واکنش این طیف، دست کم قابل فهم‌تر است. البته نمی‌توان همه مخالفان جمهوری اسلامی را در یک دسته جای داد. اپوزیسیون را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم کرد: گروهی که هدفشان صرفاً کسب قدرت است، فارغ از اینکه ایران آباد باشد یا ویران؛ مردم عذاب بکشند و کشته شوند یا نه؛ و گروهی دیگر که هر چند مخالف و حتی برانداز نظام‌اند، اما اولویت‌شان ایران است و حاضر نیستند به مزدوری یا پیوستن به ستاد تبلیغات جنگ دشمن تن بدهند. طبیعی است آن دسته‌ای که چشم‌شان به قدرت دوخته شده، چون از خودشان سرمایه و توان واقعی برای تغییر ندارند، نگاه‌شان به جنگ و تحریم است. در مقابل، آن بخش ملی‌گرا یا مدنی و انسان‌گرا، حتی اگر مخالف نظام هم باشد، همچنان چارچوبی دارد که برای ایران و مردمش اولویت قائل است. رادیکالیسم کور و قدرت‌طلبی محض و فقدان چارچوب‌های اخلاقی و ملی و انسانی، دو دسته تندروهای داخلی و اپوزیسیون را به هم رسانده است.

واکنش‌ها نسبت به این جریان داخلی با توجه به اینکه از عواقب فعال شدن مکانیزم ماشه بد شدن وضعیت اقتصادی است و طبیعتاً ضدمنافع ملی است، از سوی فعالان سیاسی، رسانه‌ها و حاکمیت چگونه باید باشد؟

صادقانه بگویم، از حاکمیت انتظار واکنش واحدی نمی‌توان داشت. اساساً یک رویکرد مشترک در درون حاکمیت وجود ندارد. فعلاً هم به نظر می‌رسد بخش قهریه نظام بیش از آنکه متوجه نفوذ یا کسانی باشد که با سیاست‌های ماجراجویانه کشور را به ایسن وضعیت کشاندند، دوباره حواسش را متوجه ما اصلاح‌طلبان کرده است؛ همان‌ها که سال‌ها پیش هشدار داده بودند و امروز زمان اثبات آن هشدارهاست. ما هم چیز راه کلام، گفت‌وگو و تذکر، ابزار دیگری نداریم و همچنان بر همان مسیر حرکت می‌کنیم. در سوی دیگر، جامعه مدنی، رسانه‌ها و فعالان سیاسی تنها راه‌شان همین روشنگری است؛ گفتن، تاباندن نور بر این رویکردها و نشان دادن پیامدهای خطرناک آن. به میزان اثرگذاری این تلاش‌ها هم نباید فکر کرد؛ وگرنه ناامیدی غلبه می‌کند. چراکه این جریان‌ها و چهره‌ها عملاً در این ساختار مورد حمایت‌اند و از مصونیت تقریباً مطلق برخوردارند. تنها به اثربخشی اجتماعی و اعتباری این روشنگری‌ها باید امید بست که خود چیز کمی نیست.



اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کهریزک هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر راز شماره ۰۹۷۷۳/۵۵۳۰۵۵۳۶۶۵۴/۰۶/۱۴۰۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کهریزک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سید ضیاءالدین میر حسین رثانی فرزند سید اسماعیل بشماره شناسنامه ۲۸۲ صادره از اصفهان در ۳ دانگ مشاع از شش‌دنگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۵۰ مترمربع در قسمتی از پلاک ۳۲ فرعی از ۸۷ اصلی واقع در تهران بخش حوزه ثبت ملک کهریزک در ازای سند مالکیت رسمی مشاعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دودوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۷/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۷/۲۲

سید محسن سادات حسینی- رئیس ثبت اسناد و املاک

چهره‌ها



واکنش یک زندانی به بیانیه وزارت خارجه آمریکا

چهارشنبه، وزارت امور خارجه آمریکا با انتشار بیانیه‌ای در حساب رسمی خود، به ادامه بازداشت پرخشان عزیزی و صدور حکم اعدام برای این فعال گُرد ایرانی، اعتراض کرد و خواهان آزادی زندانیان سیاسی شد. پس از انتشار این بیانیه، پرخشان عزیزی به این موضوع واکنش نشان داد و گفت: «اینجانب پرخشان عزیزی زندانی سیاسی گُرد محکوم به اعدام، ضمن رد اتهامات انتسابی بی‌اساس در پرونده و تقاضای تجدیدنظر در حکم کاملاً ناعادلانه اعدام، در خصوص بیانیهی وزارت امور خار جه آمریکا که ظاهراً در دفاع از من منتشر شده خطاب به آن اعلام می‌کنم که اگر دولت آمریکا واقعاً به مبانی حقوق بشری و انسانی پایبند است در مرحله‌نخست‌بایستی دست از جنگ‌طلبی، حمله و جنایت در منطقه برداشته و حمایت آشکار خود را از نسل‌کشی مردم بی‌گناه غزه قطع نموده و تحریم‌های چندین‌ساله خود که منجر به فشار اقتصادی بی‌ان ام علیه‌مردمان مظلوم و دردمند این سرزمین شده را به پایان برساند تا مانیز به این باور حقیقی برسیم که بیانیه‌های دولت شما از سر دلسوزی و احترام به حقوق انسان‌هاست و لایعبر! (و اودامه داد: «بنده یک فرد عادی این اجتماع بوده، یک مددکار اجتماعی‌ایسم که حوزه کاری‌ام اجتماعی و مردمی است نه با دولت‌ها و نه در حوزه فعالیت‌ها و بازی‌های سیاسی‌شان نقشی داشته‌ام و نه می‌خواهم نقشی نیز ایفا نمایم. مردم خاورمیانه زیر فشار اقتصادی و اجتماعی حاصل از سیاست‌های ناقص و ناقض غرب به سرکردگی آمریکا، استثمار و استثمار صدساله و دولت‌های منطقه‌ای له شده‌اند. با آرزوی صلح و آشتی، عدالت و کرامت حقیقی برای همه انسان‌ها.»

ادامه سر مقاله

جناب‌پزشکیان؛ انتقال پایتخت‌نه‌جزویرنامه‌انتخاباتی شما بوده‌ونه‌مسئله‌مردم‌است‌ونه‌ایده‌درستی‌است. حتی اگر درست هم باشد، مسئله امروز و فوری ایران نیست. کشوری که سر یک میلیارد دلار چانه می‌زند که از کجا تأمین کند دنبال زن چنین وزنه‌ای نمی‌رود. اهدافی که وظیفه قانونی و سیاسی شما بود حل مسئله تحریم‌ها و انرژی است که در ۱۴ ماه گذشته، مثل دولت قبیل هر دو بحران تشدید شده و حتی یک اصلاح سیاسی ساختاری که مسئله را حل کند یا تخفیف دهد انجام نشده است. وظیفه دولت‌ها خواش و تمناو توصیه‌به‌صرفه‌جویی نیست. وظیفه آنها ایجادشرایطی است که نتوان زیاد مصرف کرد. همان کاری که در این سال‌ها به شکل منفی بر سر گوشت آمده. چرا مصرف گوشت کاهش شدید پیدا کرده؟ چرا گوشت را با قیمت ارزان عرضه نمی‌کنید؟

مسئله امروز مردم قیمت ارز و تحریم و سایه جنگ است. چرا درباره سیاست‌های رسمی حکومت در این موضوعات سخنان امیدبخش و راهگشا گفته نمی‌شود؟ بفرمایید که چرا تحریم‌ها به جای کاهش افزایش یافت؟ گفته بودید که اینها را برطرف می‌کنید حتما می‌خواهیدد تقصیر خارجی‌ها بیندازید. اگر آنان تعیین‌کننده هستند پس چرا اصولاً وعده داده شد؟ باید می‌گفتید که اگر آنان اجازه دهند تحریم‌ها را برطرف می‌کنیم.

همانطور که در سخنان خود هم گفته‌اید کسی این حرف‌ها را نمی‌پذیرد. دولت آمده و باید پاسخگو باشد و نه منتقله وضع موجود و مطالبه‌گر از مردم. شما از مردم انتظاراتی دارید که به طور طبیعی خودتان باید بیش از مردم آنها را انجام دهید؟ یک سوزن به خود بزنیم یک جوالوز به دیگران. شما نه فقط مردم را بلکه دولتی‌ها را هم نصیحت می‌کنید در حالی که نصیحت وظیفه استادان اخلاق است. اگر هم خودتحریمی داریم وظیفه دولت حل آن است نه تکرار مکررات.

ادامه این وضع و پرداختن به امور بدون اولویت(شاید در مواردی هم درست هم باشند) و بیان تکراری امور فقط یک معنا دارد. استیصال. حتی لحن و ادبیات شما هم حکایت از استیصال می‌کند. ولی این را می‌دانیم، همه هم خوب می‌دانند که با انجام برنامه‌های فنی مثل تغییر غیرممکن پایتخت و توصیه‌های اخلاقی و نادیده گرفتن مسائل اصلی و فوری و بیان کلیشه‌های رایج و تکراری که طرف زورگو است و تسلیم می‌طلبید و... مسائل ایران حل نخواهد شد که بدتر می‌شود. پیشنهاد می‌کنیم به جای ادامه این سیاست یک گروه ملی و فراجناحی درست کنید تا بگویند مشکل کجاست این بیره‌ها را ادامه نباید داد. جلوی زبان را هر وقت بگیرید سود است.